

تقدم معرفت به حرکت، تقدمی است که ضرورتش عقلانی و عقلایی است، یعنی همه عقلای عالم بدون مرز مذهب و ملیت قبول دارند و خودش هم قاعده ای عقلی است. حضرت صادق(ع) می فرماید: *العاملُ علی غیر بصیره کسائر علی غیر الطریق لا تزیدُهُ سرعه السیرِ آلا بُعداً* عمل کننده بدون بصیرت مانند رونده در غیر راه است که سرعت بیشتر تنها بر دوری اش از مقصد می افزاید) پیش و بیش از آنکه نماز شب بخوانم، مقدم بر اینکه ذکر روز و شب بگویم، ابتدا باید مطمئن شوم راهم درست است.

بصیرت، معرفت، شناخت و آگاهی به چیزی مقدمه حرکت در معنویت است. بزرگان می فرمایند: متعلق شناخت پنج چیز است؛ البته شناخت های لازم، زیرا علوم زیاد است. حضرت علی(ع) می فرماید: علم زیاد است و عمر کوتاه، از علم آن را بگیر که بهترین است. در صدر علوم احسن و بعد حسن، دانشهایی نشسته است که تحصیل خیر دنیا و آخرت و ترکش هم هلاکت هر دو سرا را در پی دارد. اگر من این علم را تحصیل کردم نوبت می رسد بروم تا بقیه علوم را هم به دست بیاورم. و اما آن پنج متعلق شناخت:

۱. **معرفت المقصد**: اول مقصد را مشخص کن. نماز بخوانی که چه بشود؟! بروی بهشت سبب و کیوی بخوری، حور و قصور بدهند! این غایت قصوای چرخه هستی و گردونه گیتی است؟! هیئات؛ این اندیشه خلاف اندیشه حق قرآنی است. برای رسیدن به مقصد از کجا باید شروع کنم؟

مقصد ما «من» مطلوب ماست، آن شایستگی وجودی ماست. وقتی شایستگی همه انسانها را جمع کنید در یک کلام، در صفت ربوبی حضرت حق (جلّ و علا) جمع شده است. یعنی می توانیم بگوییم هدف تک تک ما قطرات آب رسیدن به دریاست. باید از نهر شخصی زندگی خودمان بگذریم تا به بحر بی کران خدا برسیم {نساء/۱۰۰} (وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ) هدف رسیدن به خداست، نه اینکه انسان الله و اله بشود بلکه الهی شود، انسانی خاکی با صفات افلاکی و الهی؛ این هدف تک تک ماست:

{انشقاق/۶} (یا ایها الانسان اَنك كادحٌ الی ربك كدحاً فمَلَاقیه؛ ای انسان تو با تلاش و رنج بسوی پروردگارت می روی و او را ملاقات خواهی کرد) همه ما در راستای حرکت به سمت لقاء الله هستیم تا خدا را در درون خودمان ملاقات کنیم.

۲. **معرفت المبدأ**: مبدأ ما برای این مقصد یعنی رسیدن به «من» مطلوب، «من» موجود است؛ علامه(ره) در باره آیه(مَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ) می فرماید چون مقصد معنوی است این بیت هم معنوی است یعنی بیت النفس است. پس باید خودم را بشناسم و آنچه باید باشم را بشناسم سپس به سمتش حرکت کنم.

۳. **معرفت المصیر**: وقتی انسان در «مسیر» {با سین}، قرار می گیرد هیچ دگرگونی و گوناگونی برایش اتفاق نمی افتد مثلاً من وقتی از اینجا به مشهد می روم، همین من موجود به مشهد می رسد ولیکن قران می فرماید شما در مصیر {با صاد} هستید: (الْمَصِيرِ)

۴. **معرفت الرفیق**: همان که در عرفان پیر، مرشد، خضر و مراد؛ و در برهان استاد گفته می شود؛ در قرآن رفیق اطلاق می شود: {نساء/۶۹} (حَسَنًا وَلِيكَ رَفِيقًا)

۵. **معرفت العدو**: (أَلَمْ أَعْهَدَ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَلَّا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ) پیامبر(ص) می فرماید: اعدای عدو که نفسک التی بین جنییک؛ دشمن ترین دشمنان تو همان نفس توست که در بین دو پهلوی قرار دارد. مصیری که به مدد رفقا من و شما را به مقصد می رساند و آن طریقی که ما را به حقیقت نائل می کند، نیست جز شریعتمان؛ و هر کس جز این بگوید و اعتقاد داشته باشد شیطانی است متجسس.

اگر بخواهیم آسیب شناسانه به جامعه نگاه کنیم، متدینین پنج دسته اند، که در قالب مثالی به بیان آنها می پردازیم: کرم ابریشم شایستگی اش پروانه شدن است ولی اکنون جز برگ مو خوردن و بین دیگر کرمها لولیدن کاری ازش بر نمی آید. اولاً سالها باید تا یک سنگ اصلی ز آفتاب لعل گردد، در بدخشان یا عقیقی در بدن. هر کرمی پروانه نمی شود، هر موجودی شایستگی خلیفه الرحمن شدن را ندارد. فلز اصلی انسان قابلیت طلایی و الهی شدن دارد ولی بقیه موجودات اینطور نیستند،

به همین خاطر انسان اشرف مخلوقات است نه به خاطر شعورش. ثانیاً اگر کرمی بیاید داستان پرواز پروانه ها را بردارد و بخواند و از حفظ کند و برای دیگر کرمهای هم نوع خودش بگوید هیچ کدامشان پروانه نخواهند شد، پرواز خواندنی نیست. هیچگاه با خوردن برگه ای که پر از فرمول آب است انسان سیراب نمی شود. پرواز انجام دادنی و شدنی است.

دسته اول: عده ای از متدینین آگاهی شان نسبت به شریعت بسیار بالاست اما میزان عملشان نزدیک صفر است.

دسته دوم: اگر کرم برود پر و پای پروانه را به خودش بچسباند و ادای پروانه ها را در بیاورد، عمراً پروانه نمی شود. ادای بزرگان را در آوردن و لباس ایشان را پوشیدن زیباست ولی نشان بزرگواری نیست؛ اگر شما از من و لباس من فریب بخورید غمی نیست، خدا نکند من خودم فریب خودم را بخورم، خدا کند من گمان نکنم با همین لباس که لباس رسول اکرم(ص) است می توانم همچون حضرتش، پروانه شوم.

دسته سوم: اگر کرمی شروع کرد از درخت بالا رفتن و تجربه از بالا زمین دیدن پروانه را حس کرد، فقط کافی است یک لحظه غفلت کند تا از درخت جدا شود و با مغز به زمین بخورد. امکان شریفه رفتن حس خوبی دارد، مکه رفتن آدم را پروازی نمی کند فقط انسان بالا می بردت، وقتی برگشتی دوباره سرد می شوی. داغ نشو که هر داغی روزی سرد می شود پخته شو که هیچ پخته ای خام نمی شود و راه پخته شدن از درخت بالا رفتن نیست.

دسته چهارم: کسانی که استاد دارند و می دانند کرم ابریشم نباید از خود، دور برود و باید از درون خود به دور خودش پيله شریعت و باید و نباید های آن را بتند تا پروانه بشود، اشکالشان این است که پيله را تنیده اند اما ناقص است، تام نیست، نماز می خوانند دروغ هم می گویند. این دسته چهارم عمراً پرواز را تجربه نمی کنند، عمراً نمی کنند. امان از یک رؤیای صادقانه، ات چه رسد به کشف و مکاشفه، تا چه رسد به از بالا زمین را دیدن و با بزرگان پریدن. حتی یک رؤیای صادقانه در پرونده شان ندارند، اینان با نماز خواندن همچون نوش آب، توسط انسان تشنه لذت نمی برند.

رزق و روزی

۶

چگونه رزق و روزی خود را
افزایش دهیم؟

«فوق العاده کار بردی»

جهت دسترسی به منابع مطلب به واحد فرهنگی مراجعه فرمایید

واحد فرهنگی
بیمارستان خاتم الانبیا (ص)



منزل فرشتگان برکت است. «کنس الفناء؛ جارو کردن و آب پاشیدن درب خانه، روزه را جلب و زیاد می کند.» و «ان السراج قبل المغیب الشمس؛ روشن کردن چراغ قبل از غروب آفتاب؛ ترک الغمامه فی البیت تزیید فی الرزق؛ گرد و غبار گرفتن داخل خانه روزی را زیاد می کند» پیامبر اکرم (ص) می فرماید: تار عنکبوت و عنکبوت را پاک کنید زیرا اینها مورث فقر است.

بهداشت فردی:

۱. «تقلیم الاظفار و أخذ الشارب یوم الجمعه أنفع لك من الیقظه بین الطلوعین؛ ناخن گرفتن و چیدن شارب در روز جمعه بهتر از بیداری در بین الطلوعین و بالتبع از بیداری نه جزء نافع تر است، که این همان فوت کار است» گرفتن ناخن ها هم بنا بر روایات، باید به این صورت باشد که از انگشت کوچکست چپ شروع و به انگشت شصت دست راست تمام شود.

۲. «الأکل علی الجنابه یورث الفقر؛ خوردن در حال جنابت مورث فقر است.» اگر آب در دسترس نیست تا غسل کنیم یا در شرایطی قرار گرفتیم که مجبور به خوردن شدیم اولاً باید آب را سه بار در بینی استنشاق کنیم، دوماً سه بار آب را در گلو مضمضه کنیم، و چه بهتر که تیمم بدل از غسل کرده و وضو هم بگیریم، سپس غذا را میل کنیم؛ اگر مه کسی نمی خواهد، با جنابت بخورد تا ببیند سرانجامش چه می شود!

۳. «البول فی الحمام یورث الفقر؛ بول کردن در حمام مورث فقر است»

۴. «تمسّط من قیام؛ هنگام شانه زدن و پیرایش کردن موها چه ذاتی و چه عرضی بنشیند»

۵. «کسره التصریح فی الرأس؛ کوتاه کردن دائم موها در هنگام بلند شدن جلب کننده روزی است»

۶. «غسل الرأس یوم الجمعة بالسدر و الختمی یجلب الرزق؛ روز جمعه سر را با سدر و ختمی شستن روزی را جلب می کند» به این صورت که کمی آب را با سدر مخلوط کند تا خمیر شده و بعد بشوید.

۵

دسته پنجم: در بین ما حتماً انسان هایی هستند که شأن آنها اجلّ است از اینکه در دسته چهارم باشند. عزیزان گرچه نفس نفس در پيله شریعت می گیرد و گرچه در دین آزادی نیست و خسته می شود، ولی یک مقدار که صبر کردید و احساس کردید که پا و پرتان دارد در می آید دیگر نیاز به صبر نیست، بلکه به رضا می رسید و دیگر رضا مطرح نیست به لذت می رسید. پا و پر یعنی وقتی دیگران از خوردن کیف می کنند شما از خوردن لذت می برید:

اگر لذت ترک لذت بدانی دگر لذت نفس لذت نخوانی هنگامی که ادان می گفت رنگ پیامبر (ص) می پرید؛ می گفتند: چه شده؟ می فرمود: حبیبم مرا می خواند. وقتی پيله تنیده شد دسته پنجم باز هم پروانه کامل نمی شوند، با اینکه دینشان تام است ولی کامل نیست این جا دیگر قصه پروانه و شمع است:

باید بدانید پروانه ها چطور ناخن می گرفتند و چطور پیشوایان پاک مسواک می کردند؟ چگونه لباسشان را تمیز می کردند؟ اینها نیامدند فقط بگویند روزه بگیرو آیا غذا پختن ما نبوی است؟! اصول تغذیه اسلام را اصلاً باور داریم؟! هیچ موضوعی در شریعت نبوی تا مهدوی نیست که یا به صراحت ذکر نشده باشد یا باب اجتهادش مسدود باشد. حضرت رسول (ص) به جوانی که مشکل کنترل نگاه و شهوت داشت در حوزة معنوی فرمودند: «من أكل رمانة صباح الجمعة علی الریق طرد عنه شیطان الوسوسة اربعین صباحاً؛ هرکس صبح جمعه ناشتا یک انار بخورد شیطان وسوسه چهل روز از او دور خواهد شد» اگر دین را نمی دانیم راحت بگوییم نمی دانم.

بهداشت اجتماعی:

امام صادق (ع) می فرمایند: خداوند به شما نعمت داده و دوست دارد آثار نعمتش را در شما ببیند {امالی طوسی ۲۸۱/۱} «ان الله تبارک و تعالی اذا أنعم علی عبد یحب ان یری علیه اثره» سائل پرسید چگونه؟ فرمودند: «ان یحصص داره؛ خانه اش را گچکاری کند.» در قدیم که خانه ها از سنگ و گل بود گچکاری کردن، عمل مptomول بوده و حضرت توصیه می کنند یعنی فقط به فکر داخل خانه نباش؛ شهر زیبا

۴